

کتاب دانیال - شماره یک صد و نوزدهم

اهمیت نبوی نشانه‌های تاریخی: درک ایام آخر از طریق نمادپردازی کتاب مقدسی

Jeff Pippenger

2024-03-06

دوتره سندهری یارا هیده کرا ٲسثااتی سکلرٲه سهه هاکارکه چواللشی لکش اک هیده کرا ٲسثااتی دبارا بسنره شوبر شهیدتبره ماسماشکه ابر؁ شودهیکت دبارا سندهری ینی؁ کرره نریدشه کارشکه دوتره سهه ٲرثمٲمیدیه کالره ٲبتره دوه دنیره شه کرره ٲسثاٲن کارشکه ایلیار کالٲی دٲتیه ابر؁ کرره ٲرسٲت ٲث جنٲ دوتره ٲسثاٲن بچارکه انوسنٲانمولک جیبتدیره اٲادبنٲٲادره لاودکیه کالٲی ٲرثم کرره ٲسثاٲن بچارکه کارشکری رومه اٲونکی کالٲی دٲتیه ابر؁ کرره

”نشانه” برای ترک شهرها در ایام آخر؁ از سوی ادونتیسملائودیسه‌ای بد فهمیده شده است. خواهر وایت به ما آگاهی می‌دهد که ویرانی اورشلیم از سال ۶۶ تا ۷۰ میلادی؁ تصویری از نشانه هشدار برای قوم خدا در ایام آخر فراهم می‌آورد.

»آن زمان چندان دور نیست که ما نیز؁ همچون شاگردان نخستین؁ ناگزیر شویم در مکان‌های متروک و خلوت پناهگاهی بجویم. همان‌گونه که محاصره اورشلیم به‌وسیله سپاهیان روم؁ علامت فرار برای مسیحیان یهودیه بود؁ به همان‌سان به‌دست گرفتن قدرت از سوی ملت ما در فرمانی که سبت‌پای را الزام‌آور می‌سازد؁ برای ما هشدار می‌دهد. آنگاه وقت آن خواهد بود که شهرهای بزرگ را ترک کنیم؁ در آمادگی برای ترک شهرهای کوچک‌تر و رفتن به خانه‌های دورافتاده در مکان‌های خلوت در میان کوه‌ها.» شهادت‌ها؁ جلد ۵؁ ۴۶۴.

محاصره اورشلیم که نشانه فرار بود؁ نخستین محاصره‌ای بود که به‌وسیله کستیوس انجام گرفت. ازاین‌رو کستیوس نمایانگر تهدیدی بود که به‌طور موقت برطرف شد؛ زیرا هنگامی که او محاصره را برقرار کرد؁ سپس به‌گونه‌ای اسرارآمیز عقب‌نشینی نمود؁ و مورخان هرگز نتوانسته‌اند منطق او را برای چنین کاری تعیین کنند.

»پس از آن‌که رومیان به فرماندهی سیستمیوس شهر را محاصره کردند؁ هنگامی که همه‌چیز برای حمله‌ای فوری مساعد می‌نمود؁ به‌طور غیرمنتظره محاصره را رها کردند.» جدال عظیم؁ 31.

در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰؁ سناتور هنری دابلیو. بلر از ایالت نیوهمپشایر مجموعه‌ای از لوایح را در کنگره ارائه کرد تا یکشنبه را به‌عنوان «روز ملی استراحت» تعیین کند. این لوایح عموماً با عنوان «لوایح یکشنبه بلر» شناخته می‌شدند. سناتور بلر از حامیان سرسخت رعایت یکشنبه به‌عنوان روزی برای استراحت و عبادت دینی بود. او بر این باور بود که یک روز استراحت یکنواخت؁ آثار اخلاقی و اجتماعی مثبتی بر جامعه آمریکا خواهد داشت. هرچند تلاش‌های او تا اندازه‌ای؁ به‌ویژه از سوی گروه‌های مذهبی؁ مورد حمایت قرار گرفت؁ اما با مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو شد؛ از جمله نگرانی‌هایی درباره جدایی کلیسا و دولت.

به اتوار کی قانون سازی منظور کرانے کی پہلی کوشش تھی؁ اُس زمینی درندے کی تاریخ میں جس کے بارے میں مقدر تھا کہ جب وہ بالآخر اتوار کا قانون منظور کرے گا تو اژدہا کی مانند کلام کرے گا۔ یہی بلیئر بلوں کا سلسلہ تھا جس کی اے۔ ٹی۔ جونز نے—جو 1888 کے جنرل کانفرنس اجلاس کے پیامبروں میں سے ایک تھے—کانگریس کے ایوانوں میں جا کر نہایت فصاحت کے ساتھ مخالفت کی۔ چند کوششوں کے بعد سینیٹر بلیئر اپنے ”قومی یوم آرام“ کے مطالبے کی مہم کے لیے رفتار برقرار نہ رکھ

سکے۔ اسی تاریخ کے براہ راست تعلق میں، اور ایک ”قومی یوم آرام“ (اتوار) کے مضمرات کے پیش نظر، ایلن واٹ کی نصیحت کے تاریخی ریکارڈ کا جائزہ لیا جا سکتا ہے۔

آپچہ در بازنگری ہشدارهای او درباره قانون یکشنبه یافت می شود، در ادونتیسیم لائودیکیہ ای امری جدی و به گونه ای گسترده بدفهمیده شده است. در چارچوب ضرورت بیرون بودن از شهرها، که در عبارتی که همین اکنون نقل شد، او نوشت که: «آنگاه زمان ترک شهرهای بزرگ فرا خواهد رسید، به منظور آمادگی برای ترک شهرهای کوچک تر و رفتن به خانه های خلوت در مکان های دورافتاده در میان کوه ها.» او بارها تعلیم داد که قوم خدا باید در نواحی روستایی زندگی کنند، اما رهنمودهای او درباره موضوع زندگی در روستا پیش از 1888، هدایت او را برای ترک شهرها در این چارچوب قرار می دهد که در آینده ای نزدیک قوم خدا نیاز خواهند داشت شهرها را ترک کنند. پس از 1888، او در رهنمودهای مکتوب خود درباره زندگی در روستا، هرگز از این اندرز منحرف نشد که ما باید از پیش از شهرها بیرون بوده باشیم.

لوايح «روز ملی استراحت» بلر که در تاريخ پديدار شدند، همان «علامت» برای ترک شهرها بودند؛ و هرچند لوايح بلر شتاب لازم برای به انجام رساندن آن مأموریت را از دست دادند و به تاریکی تاریخ فرو رفتند، با این همه «علامت» برای فرار داده شده بود. این علامت در نشانه تاریخی نخستین محاصره، که به وسیله کیستیوس آورده شد، داده شده بود. قانون یکشنبه قریب الوقوع به وسیله محاصره تیتوس بازنمایی می شود، و اگر هنگامی که آن محاصره فرا می رسد، هنوز هر یک از ادونتیسیم های لائودیکیه ای در شهرها باشند، با شیران خواهند مرد.

در ایام آخر، دو دوره نبوی وجود دارد. این دو به وسیله قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد از یکدیگر جدا می شوند. دوره نخست، داوری تحقیقی زندگان در ادونتیسیم لائودیکیایی است، و دوره دوم، داوری اجرایی فاحشه روم. این دو دوره بارها به تصویر کشیده شده اند، زیرا مثل ده باکره دقیقاً به معنای کامل کلمه در همین دو دوره تحقق می یابد، همان گونه که در تاریخ میلری تحقق یافت. زمان تأخیر در این مثل، همان زمان تأخیر حقوق باب دو است؛ از این رو، آن دو دوره ای که در نظر داریم، به وسیله حقوق باب دو نیز به تصویر کشیده شده بودند. مثل ده باکره، و حقوق باب دو، دقیقاً به معنای کامل کلمه در تاریخ میلری تحقق یافتند، و هنگامی که چنین شد، حزقیال باب دوازده، آیات بیست و یک تا بیست و هشت نیز به انجام رسید.

هشت آیه پایانی از باب دوازدهم حزقیال، زمانی را مشخص می سازد که در آن «تحقق هر رؤیا» به انجام خواهد رسید؛ در زمانی که خدا دیگر رؤیاهای خود را «به تأخیر نخواهد انداخت». آن دو دوره تاریخی که بارها تکرار شده اند و داوری تحقیقی زندگان را در ادونتیسیم لائودیکیه، و داوری اجرایی فاحشه صور را مشخص می کنند، همان دوره نبوتی اند که در آن هر رؤیایی در سراسر کتاب مقدس به کمال و تحقق نهایی خود می رسد. در آن دوره، صد و چهل و چهار هزار نفر استوار می گردند، و آنان نماینده آن گروهی هستند که نمی میرند و تا یازگشت مسیح زنده می مانند. در باب بیست و یکم لوقا، مسیح «نشانه ای» را مشخص می سازد که معین می کند آن نسل چه هنگام فرا رسیده است.

در دو تاریخچه ای که به واسطه «نشانه ای» فرار، چنان که مسیح آن را در ارتباط با مکروه ویرانگر بیان فرمود، بازنمایی شده اند، دو دوره مشخص گردیده است، و آغازها و پایان های آن ها دارای یک «نشانه» در ابتدای دوره و «نشانه ها»یی در انتهای آن است. «نشانه ای» که مسیح آن را به عنوان نمایانگر نسل نهایی ای که تا زمان آمدن او بر ابرها زنده خواهد ماند معرفی کرد، گواه آن است که اکنون ما در نسل نهایی تاریخ زمین به سر می بریم.

در فصل بیست و یکم لوقا، عیسی تاریخی را مشخص می سازد که از سه سال و نیم پایمال شدن و نابودی اورشلیم تحت اللفظی از سال ۶۶ تا سال ۷۰ آغاز می شود و تا پایان سه سال و نیم پایمال شدن

اورشلیم روحانی امتداد می‌یابد؛ همان دورانی که در سال ۵۳۸ آغاز شد و در سال ۱۷۹۸ پایان پذیرفت.

اور جب تم یروشلم کو لشکروں سے گھرا ہوا دیکھو، تو جان لو کہ اُس کی ویرانی نزدیک ہے۔ اُس وقت جو یہودیہ میں ہوں وہ پہاڑوں کی طرف بھاگ جائیں؛ اور جو اُس کے اندر ہوں وہ نکل جائیں؛ اور جو دیہات میں ہوں وہ اُس میں داخل نہ ہوں۔ کیونکہ یہ انتقام کے دن ہیں، تاکہ وہ سب باتیں جو لکھی گئی ہیں پوری ہوں۔ مگر ہائے اُن پر جو اُن دنوں میں حاملہ ہوں، اور اُن پر جو دودھ پلاتی ہوں! کیونکہ ملک میں بڑی مصیبت ہوگی، اور اِس قوم پر غضب نازل ہوگا۔ اور وہ تلوار کی دھار سے قتل کیے جائیں گے، اور سب قوموں میں اسیر کر کے لے جائے جائیں گے؛ اور یروشلم غیر قوموں کے پاؤں تلے روند جائے گا، جب تک کہ غیر قوموں کے زمانے پورے نہ ہو جائیں۔ لوقا ۲۱:۲۰-۲۴

«زمانہا» ی پایمال شدن اورشلیم بہ دست امت ہا بہ صورت جمع آمدہ است، زیرا ہم پایمال شدن اورشلیم تحت اللفظی را نشان می‌دهد کہ در سال ۷۰ پایان یافت، و ہم پایمال شدن اورشلیم روحانی را کہ در سال ۱۷۹۸ پایان یافت. امت ہا نمایانگر ہم بت پرستی و ہم پاپ گرایی هستند، و ہمین دو قدرت موضوع رؤیا در پرسش باب ہشتم دانیال اند کہ می‌پرسد: «تا بہ کی؟»

سپس شنیدم کہ یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر بہ آن قدیس معین کہ سخن می‌گفت، گفت: «این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر تا بہ کی خواہد بود، تا ہم مقدس و ہم لشکر بہ پایمال شدن سپردہ شوند؟» دانیال ۸:۱۳

«اوقات امت ہا» در باب بیست و یکم لوقا، اشارہ دارد بہ دو ہزار و پانصد و بیست سال انتقام خدا بر پادشاہی شمالی کہ در سال ۷۲۳ پیش از میلاد آغاز شد و در ۱۷۹۸ بہ پایان رسید. سال ۵۳۸ زمانی را مشخص می‌کند کہ مرد گناہ در مکان مقدس ایستاد و اعلام کرد کہ او خداست، و بدین سان این دورہ را بہ دو بخش مساوی ہزار و دویست و شصت سالہ تقسیم کرد. دورہ دوم ہزار و دویست و شصت سال همان تاریخ واحدی است کہ در لوقا باب بیست و یکم، آیہ بیست و چہار، بہ عنوان پایان یافتہ نشان دادہ شدہ است، آنگاہ کہ «اوقات امت ہا» بہ کمال رسید. در روایت تاریخی ای کہ عیسی برای شاگردان خویش مشخص می‌سازد، آیہ بیست و چہار شہادت می‌دهد کہ بہ شاگردان دادہ شدہ است بہ «زمان آخر» در ۱۷۹۸ می‌رساند. از آنجا، عیسی آغاز می‌کند بہ مشخص ساختن «علامت ہا» پی کہ با جنبش میلری مرتبط اند.

و در خورشید و ماہ و ستارگان نشانہ هایی خواہد بود؛ و بر زمین، تنگی امت ہا با حیرت؛ در حالی کہ دریا و امواج بہ خروش آمدہ اند؛ و دلہای مردم از ترس و از انتظار آنچه بر جہان می‌آید، از حال می‌رود؛ زیرا قوت های آسمان متزلزل خواہد شد. و آنگاہ پسر انسان را خواہند دید کہ با قوت و جلال عظیم، در ابری می‌آید. و چون این امور آغاز بہ وقوع کند، راست بایستید و سرہای خود را برافرازید، زیرا رستگاری شما نزدیک می‌شود. لوقا ۲۱:۲۵-۲۸

عیسی بیان می‌دارد کہ «علامت های خواہد بود»، و آن ہا را چنین معرفی می‌کند: علامت ہا در خورشید و ماہ و در ستارگان، اضطراب امت ہا، متزلزل شدن قوای آسمان، و سپس پسر انسان در ابری می‌آید. تمامی این «علامت ہا» در تاریخ میلری تحقق یافت.

«نبوت نہ تنها شیوہ و هدف آمدن مسیح را پیشگویی می‌کند، بلکہ نشانہ هایی را نیز عرضه می‌دارد کہ بہ وسیلہ آن ہا آدمیان باید بدانند چہ زمانی آن نزدیک است. عیسی فرمود: «و در خورشید و ماہ و ستارگان علامت خواہد بود.» لوقا ۲۱:۲۵. «خورشید تاریک خواہد شد و ماہ نور خود را نخواہد داد، و ستارگان آسمان فرو خواہند ریخت، و قوت هایی کہ در آسمان اند متزلزل خواہند شد. و آنگاہ پسر انسان را خواہند دید کہ با قوت و جلال عظیم بر ابرہا می‌آید.» مرقس ۱۳:۲۶-۲۴. یوحنا مکاشفہ نگار نخستین نشانہ هایی را کہ باید پیش از بازگشت ثانی ظاہر شوند، چنین وصف می‌کند: «زلزلہ ای عظیم واقع شد؛ و خورشید چون پلاس موہین سیاہ گردید، و تمام

ماه چون خون شد.» مکاشفه ۱۳:۶.

«این نشانه‌ها پیش از آغاز قرن نوزدهم مشاهده شدند. در تحقق این پیشگویی، در سال 1755، هولناک‌ترین زمین‌لرزه‌ای که تاکنون به ثبت رسیده است، رخ داد....»

«بیست و پنج سال بعد، نشانه بعدی مذکور در نبوت پدیدار شد—تاریک شدن خورشید و ماه. آنچه این را چشمگیرتر می‌ساخت، این واقعیت بود که زمان تحقق آن به‌طور مشخص تعیین شده بود. در گفت‌وگوی نجات‌دهنده با شاگردانش بر فراز زیتون، پس از آنکه دوره طولانی آزمایش کلیسا را توصیف کرد—یعنی ۱۲۶۰ سال آزار و جفای پاپی، که درباره آن وعده داده بود آن مصیبت کوتاه خواهد شد—بدین‌سان برخی رویدادها را که می‌بایست پیش از آمدن او واقع شوند، ذکر کرد و زمان مشاهده نخستین آنها را معین ساخت: «در آن ایام، بعد از آن مصیبت، خورشید تاریک خواهد شد و ماه نور خود را نخواهد داد.» مرقس 13:24. آن ۱۲۶۰ روز، یا سال، در 1798 پایان یافت. یک‌چهارم قرن پیش از آن، آزار و جفا تقریباً به‌کلی متوقف شده بود. مطابق سخنان مسیح، پس از این آزار و جفا، خورشید می‌بایست تاریک شود. در 19 مه 1780، این نبوت تحقق یافت....»

«مسیح به قوم خود فرمان داده بود که نشانه‌های آمدن او را مراقبت کنند و چون نشانه‌های آمدن پادشاه خویش را ببینند، شادی نمایند. او فرمود: "و چون این چیزها شروع به وقوع کند، آنگاه سرهای خود را بلند کنید و چشمان خود را به بالا افرازید، زیرا رستگاری شما نزدیک می‌شود." او پیروان خود را به درختان بهاری در حال شکفتن اشاره کرد و گفت: "چون اکنون جوانه می‌زنند، شما خود می‌بینید و درمی‌یابید که تابستان نزدیک است. همچنین شما، هنگامی که این چیزها را در حال وقوع ببینید، بدانید که پادشاهی خدا نزدیک است." لوقا 21:28، 30، 31.» نبرد عظیم، 304-308.

کاربرد سه‌گانه سه روم نشان می‌دهد که در پایمال شدن اورشلیم به‌دست روم بت‌پرست و سپس روم پاپی، پایمال شدن قدس و لشکر به‌وسیله روم جدید به‌وسیله دوره‌ای که یا هزار و دویست و شصت روز بود (روم بت‌پرست)، یا هزار و دویست و شصت سال نبوی (روم پاپی) به تصویر کشیده شده است. هزار و دویست و شصت روز نمادین (چهل و دو ماه) که دوره آزار قوم امین خدا به‌دست روم جدید را مشخص می‌سازد، برای هر دوره با یک «علامت» واحد همراه خواهد بود که زمان فرار وفاداران آن دوره را تعیین می‌کند. هر یک از این سه دوره با ظهور چندین «علامت» پایان می‌یابد، نه با یک «علامت» واحد، چنان‌که در آغاز آن دوره است.

«نیمه شب است که خدا قدرت خویش را برای رهایی قوم خود ظاهر می‌سازد. خورشید پدیدار می‌شود و با تمام نیروی خود می‌درخشد. آیات و شگفتی‌ها در پی هم با شتاب رخ می‌دهند. شیران با هراس و شگفتی به این صحنه می‌نگرند، حال آن‌که پارسایان نشانه‌های رهایی خویش را با شادی آمیخته به وقار مشاهده می‌کنند. گویی همه چیز در طبیعت از مسیر خود خارج شده است. جویبارها از جریان باز می‌ایستند. ابرهای تیره و سنگین برمی‌خیزند و با یکدیگر برخورد می‌کنند. در میان آسمان خشم‌آلود، فضایی روشن از جلالی وصف‌ناپذیر پدیدار است، و از آنجا صدای خدا، همچون صدای آب‌های بسیار، می‌آید که می‌گوید: "انجام شد." مکاشفه 16:17.» نبرد عظیم، 636.

دوره داوری اجرایی بر فاحشه روم با برافراشته شدن علمی آغاز می‌شود که نشان می‌دهد آن گله دیگر خدا که هنوز در بابل است، باید بگریزد. آن دوره با «آیات و عجایب» به پایان می‌رسد. آن دوره با «صدای دوم» در باب هجدهم مکاشفه آغاز می‌شود و با صدای خدا پایان می‌یابد. البته، صدای اول و دوم در باب هجدهم مکاشفه، صدای مسیح است. صدای اول، آغاز داوری تحقیقی کلیسای ادونتیست لائودیکه زنده را مشخص می‌کند، و صدای دوم پایان آن دوره را معین می‌سازد، اما همچنین آغاز داوری اجرایی بر فاحشه روم را نیز نشان می‌دهد.

تاریخ کامل تحت حاکمیت آن هفته‌ای است که در آن مسیح عهد را استوار ساخت، و قانون یکشنبه که به‌زودی خواهد آمد، به‌عنوان نشانه میانی، همان‌گونه که صلیب نمونه آن بود، تمثیل شده است. هر دو تاریخ مهر آلفا و امگا را در خود دارند، زیرا آغاز و انجام در هر یک از این دو تاریخ با صدای خدا نمایانده می‌شود. همچنین آن‌ها نمایانگر حقیقت‌اند، زیرا نشانه میانی، طغیان قانون یکشنبه است، و واژه عبری «حقیقت» با نخستین، سیزدهمین، و آخرین حروف الفبای عبری ساخته شده است. نخستین صدا در باب هجده مکاشفه، صدای مسیح است؛ آخرین صدا، صدای خداست؛ و صدای میانی، که آن نیز صدای خداست، همان‌جاست که طغیان حرف سیزدهم با «سخن گفتن» وحش زمین چون اژدها، آن‌گونه که در باب سیزدهم مکاشفه نمایانده شده است، بازنمایی می‌شود.

پرچمی که در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع برافراشته می‌شود، برای وفاداران خدا «علامت» فرار را نمایندگی می‌کند؛ اما همچنین نشان می‌دهد که آغاز دوره نبوی‌ای که با برافراشته شدن آن پرچم پایان می‌یابد، باید خود نیز دارای «علامتی» باشد. آن «علامت» همان چیزی است که عیسی آن را به‌عنوان شاهی معرفی می‌کند که نسل آخر ساکنان سیاره زمین فرا رسیده است. در باب بیست و یکم انجیل لوقا، شاگردان می‌پرسند که مقصود مسیح چه بود هنگامی که اعلام کرد هیکل قرار است ویران شود.

اور انہوں نے اُس سے پوچھا، "اُستاد، یہ باتیں کب ہوں گی؟ اور جب یہ باتیں واقع ہونے لگیں گی تو اُس وقت کیا نشان ہوگا؟" لوقا 21:7.

پھر یسوع اُس تاریخ کی نشان دہی کرنا شروع کرتا ہے جو سن 70 تک پہنچتی ہے، جب ہیکل اور شہر تباہ کیے جانے تھے، اور وہ آیت چوبیس تک بات جاری رکھتا ہے، جہاں وہ یہ واضح کرتا ہے کہ غیر قوموں کے "زمانے" کب پورے ہوں گے۔

و ایشان به دم شمشیر فرو خواهند افتاد، و به اسیری در میان جمیع امت‌ها برده خواهند شد؛ و اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد گردید تا زمان‌های امت‌ها به کمال رسد. لوقا ۲۱:۲۱

این تصور که این آیه به اورشلیم تحت‌اللفظی اشاره دارد، بر حماقت الهیاتی کاتولیکی‌ای بنا شده است که «آینده‌گرایی» نامیده می‌شود؛ همان که امور نمادین را به‌صورت تحت‌اللفظی به کار می‌بندد و تحقق نبوت‌ها را منحصرأ در پایان جهان قرار می‌دهد. حمله به کاربرد درست این آیه، در سراسر قرائت عهد جدید، از حملات عمده شیطان بوده است. اورشلیم تحت‌اللفظی در زمان مسیح، هنگامی که نبوت تحت‌اللفظی کاربرد روحانی را دگرگون ساخت، دیگر نماد اورشلیم نبوی نبود. این مکاشفه از تعالیم اساسی‌ای بود که رسول پولس آن را برقرار ساخت. پایمال شدن اورشلیم، هزار و دویست و شصت سال تاریکی‌پایی را از سال 538 تا 1798 مشخص می‌سازد.

اما صحن بیرونی هیکل را واگذار و آن را اندازه مگیر؛ زیرا به امت‌ها داده شده است، و آنان شہر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. مکاشفه ۱۱:۲

اورشلیم نبوت بر صلیب، دیگر نماد شہر برگزیده نبود.

«بسیارند کسانی که احساس می‌کنند نیکو خواهد بود که بر خاک اورشلیم کهن گام نهند، و ایمانشان به‌گونه‌ای بسیار تقویت خواهد شد اگر از صحنه‌های زندگی و مرگ نجات‌دهنده دیدن کنند! اما اورشلیم کهن هرگز مکانی مقدس نخواهد شد مگر آن‌گاه که به آتش تصفیه‌کننده‌ای از آسمان پاک گردد.» Review and Herald، 9 ژوئن 1896.

چون عیسی در آیه بیست و چهار شاگردان را تا زمان آخر در سال 1798 هدایت کرد، آنگاه زمان میلری را معرفی نمود؛ هنگامی که اعلام فرشته اول وارد تاریخ شد.

اور سورج میں، اور چاند میں، اور ستاروں میں نشانیاں ہوں گی؛ اور زمین پر قوموں کو گھبراہٹ لاحق ہوگی، حیرانی کے ساتھ؛ سمندر اور موجیں گرجتی ہوں گی؛ آدمیوں کے دل خوف کے سبب اور اُن باتوں کے انتظار میں جو زمین پر آنے والی ہیں، بیٹھے جاتے ہوں گے؛ کیونکہ آسمان کی قوتیں ہلائی جائیں گی۔ اور پھر وہ ابنِ آدم کو قدرت اور بڑے جلال کے ساتھ ایک بادل میں آنے دیکھیں گے۔ اور جب یہ باتیں ہونے لگیں، تو سیدھے ہو کر کھڑے ہونا، اور اپنے سر اوپر اٹھانا؛ کیونکہ تمہاری مخلصی نزدیک آ پہنچی ہے۔ لوقا 21:25-28.

نشانہ‌هایی که تاریخ میلریتی را آغاز کردند، در هماهنگی با قدرت هرگز خطاناپذیر کلام خدا به تحقق پیوستند.

«نشانہ‌ها در خورشید، ماه و ستارگان تحقق یافته‌اند.» 22، Review and Herald، نوامبر 1906.

ما در مقاله بعدی، فصل بیست‌ویکم انجیل لوقا را ادامه خواهیم داد.

16 de diciembre de 1848, el Señor me dio una visión del estremecimiento de las Dios» potestades de los cielos. Vi que cuando el Señor dijo "cielo", al dar las señales registradas por Mateo, Marcos y Lucas, quiso decir cielo; y cuando dijo "tierra", quiso decir tierra. Las potestades del cielo son el sol, la luna y las estrellas. Ellos gobiernan en los cielos. Las potestades de la tierra son las que gobiernan sobre la tierra. Las potestades del cielo serán conmovidas por la voz de Dios. Entonces el sol, la luna y las estrellas serán removidos de sus lugares. No desaparecerán, sino que serán conmovidos por la voz de Dios»

«ابرهای تیره و سنگین برخاستند و با یکدیگر برخورد کردند. فضا شکافته شد و به عقب پیچید؛ سپس توانستیم از خلال آن فضای گشوده در آریون به بالا بنگریم، از جایی که صدای خدا آمد. شهر مقدس از طریق آن فضای گشوده فرود خواهد آمد. دیدم که قدرت‌های زمین اکنون در حال متزلزل شدن هستند و رویدادها به ترتیب واقع می‌شوند. جنگ، و اخبار جنگ‌ها، شمشیر، قحطی، و وبا نخست قدرت‌های زمین را به لرزه درمی‌آورند؛ سپس صدای خدا خورشید، ماه، و ستارگان، و نیز این زمین را خواهد لرزاند. دیدم که لرزش قدرت‌ها در اروپا، آن‌گونه که بعضی تعلیم می‌دهند، لرزش قدرت‌های آسمان نیست، بلکه لرزش امت‌های خشمگین است.» Early Writings.